مجلس یازدهم

حرمت اعانت بر گناه و ظلم

بیاناتی پیرامون آیۀ: ﴿تَعَاوَنُواْ عَلَي ٱلۡبِرِّ وَ ٱلتَّقۡوَيٰ وَ لَا تَعَاوَنُواْ عَلَي ٱلۡإِثۡمِ وَ ٱلۡعُدۡوَٰنِ﴾

 طهران، مسجد قائم، رمضان المبارک ١٣٩٨ هجری قمری

أعوذُ باللَه من الشَّیطان الرَّجیم

بسم اللَه الرّحمٰن الرّحیم

و صلّی اللَه علیٰ محمّدٍ و آله الطّاهرین

و لعنةُ اللَه علیٰ أعدائِهم أجمعین

## دستور قرآن مبنی بر کمک به یکدیگر در انجام کارهای خیر و اجتناب از محرّمات

﴿وَ تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَ ٱلتَّقۡوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَ ٱلۡعُدۡوَٰنِ وَ ٱتَّقُواْ ٱللَهَ إِنَّ ٱللَهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾.[[1]](#footnote-1)

 مقداری از آیۀ دوّم از پنجمین سورۀ قرآن، سورۀ مائده است؛ و معنایش این است:

«با همدیگر در کار بِرّ و تقوا کمک کنید، و در گناه و ستم و دشمنی کمک نکنید!»

 بِرّ به معنای خوبی و هر کار خوبی است، و تقوا هم یعنی پاکیزگی و در مصونیّت و عصمت الهی درآمدن و در ورع و اجتناب از محرّمات قدم نهادن؛ یعنی:

«در کارهای خوب و در کارهای احسان به همدیگر کمک کنید، و در إثم و گناه و در ستم کمک نکنید و با یکدیگر تعاون نکنید.»

## حکم فقهی تعاون و کمک در امور خیر

 فقها از این آیه استفاده کرده‌اند که تعاون و کمک در هر امر بِرّ و تقوایی مستحسن است و در بعضی موارد به مرحلۀ وجوب و لزوم می‌رسد؛ و از آن گذشته

 در بقیّۀ امور، مسلّماً مستحب است که انسان در کار خیری که پیش می‌آید، به هر مقداری که می‌تواند کمک کند.[[2]](#footnote-2) مؤمنین به همدیگر کمک کنند، برادر به برادر کمک کند، رفیق به رفیق کمک کند و آن کار برّ و احسانی که باید انجام بگیرد، به معونه و کمک همدیگر بر پا بشود.[[3]](#footnote-3)

## حرمت شرعی اعانۀ بر گناه و کار حرام

 ولی کمک کردن در گناه و ستم حرام است؛ چون نهی، دلالت بر حرمت می‌کند:

﴿وَ لَا تَعَاوَنُواْ﴾؛ «در کار گناه و در ستم کمک نکنید!»

 خود گناه و ستم که فی‌حدّ نفسه حرام است و اگر کسی گناه کند، کار حرامی کرده است. و اگر کسی به دیگری در گناه کمک کند به‌طوری‌که بر عملی که انجام می‌دهد إعانت بر گناه صدق بکند، این هم حرام است؛ نه از نقطۀ نظر خود گناه، بلکه از نقطۀ نظر اعانت و کمک بر گناه.

## حرمت معاملۀ‌ امور حلال برای مصارف حرام

 من باب مثال، شراب خوردن حرام است، و اگر انسان کاری کند که کمک به شراب‌خواری باشد؛ مثلاً انگور خود را به کسی بفروشد که آن را شراب می‌اندازد، این کمک به گناه است، یا دکّان خود را به کسی که در آن شراب می‌فروشد اجاره دهد یا مَرکب خود را به کسی که با آن شراب حمل می‌کند اجاره دهد، گرچه فی‌حدّ نفسه فروختن انگور یا اجاره دادن باغ انگور یا اجاره دادن حانوت و دکّان و اجاره دادن مرکب، حرام نیست، ولیکن در این موضع چون کمک بر إثم و بر گناه است، از این نقطۀ نظر حرام می‌شود.[[4]](#footnote-4)

 یا مثلاً انسان چوبی را بفروشد برای اینکه بت یا صلیب از آن چوب بسازند، گرچه چوب‌فروشی حرام نیست، ولیکن کما اینکه در عین روایت وارد شده است که: «بیع الخَشَب لیُتَّخَذَ صَنَمًا أو صلیبًا؛ چوبی را برای اینکه از آن بت بتراشند و یا

 برای اتّخاذ صلیب و برای اینکه به شکل صلیب در بیاورند، می‌فروشد.» چون بت‌پرستی و بت‌تراشی حرام است، فروختن چوب برای این امر هم حرام است، چون کمک و اعانت بر حرام است.[[5]](#footnote-5)

 صلیب همان چلیپا است. صَلب یعنی دار کشیدن؛ صلیب همان آلت صَلب و آلت دار زدن است. چلیپا و صلیب آن علامت خاصّۀ نصاریٰ است که مطابق عقاید خود می‌گویند: «حضرت عیسی را بر آن چوبه به دار زدند!» ولیکن عقیدۀ ما مسلمین این است که حضرت عیسی را دار نزدند، بلکه یک نفر دیگر را که شکل او بود، اشتباهاً گرفتند و به‌جای او به دار زدند و خداوند علیّ أعلیٰ حضرت عیسی را زنده نگه داشت و به آسمان برد؛ ﴿وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمۡ﴾.[[6]](#footnote-6) ولیکن نصاریٰ صلیب را مقدّس می‌شمرند و به کمر و گردن آویزان می‌کنند و در مجالس خود، در کلیساها و سایر مکان‌ها به‌عنوان شعائر مذهبی خود إعمال می‌کنند؛ و اگر مسلمان چنین کاری کند، کار حرامی کرده است.

 بنابراین اگر مسلمان چوبی بفروشد که به شکل صلیب در بیاورند، فروختن این چوب هم حرام است. فروختن این آهن یا این طلا و نقره‌ای هم که آن را به شکل صلیب در می‌آورند حرام است؛ و لذا افرادی که زرگر هستند و از نقره و طلا صلیب می‌سازند، کار حرامی می‌کنند؛ و خرید و فروش آن صلیب، یعنی آن علامت مختصّه هم حرام است، و استعمالش هم حرام است.

## حرمت تشبّه به کفّار و برخی از احکام پوشش اسلامی

 کراوات هم صلیب است؛ خواه به شکل مثلّث آویزان باشد یا خواه به شکل پاپیون باشد، صلیب است و از علائم مختصّۀ نصاریٰ است و استعمالش بر مسلمین حرام است![[7]](#footnote-7) اگر کسی هم پارچه‌ای بفروشد که شخصی او را کراوات کند، آن هم

 حرام است؛ چون اعانت بر گناه کرده است!

 استعمال طلا و زینت طلا بر مردهای مسلمان ـ نه زن‌های مسلمان ـ حرام است؛ مثلاً اگر مرد انگشتر طلا و حلقۀ طلا در دست کند، یا دکمۀ سر دست و یقۀ خود را طلا کند، یا ساعت مچی خود را که زینت ظاهر است طلا کند، حرام است و استعمالش حرام است و نماز با آن هم باطل است.[[8]](#footnote-8) امّا اگر کسی انگشتر طلای مردانه ساخت، دکمۀ سر دست مردانه ساخت یا اینکه خرید و فروش کرد، این هم از باب اعانت بر گناه، محرّم است؛ و شکّی نیست بر اینکه جزئی از محرّمات حساب می‌شود و البتّه مردمان مسلمان باید اجتناب کنند!

 پوشیدن پیراهن ابریشمی برای مرد مسلمان حرام است، نه برای زن؛ استعمال زینت طلا و استعمال لباس ابریشم خالص برای زنان اشکال ندارد، ولی برای مردها حرام است. زیر پیراهنی و پیراهن، کت، شلوار، کلاه، اگر از ابریشم خالص باشد حرام است و مرد مسلمان نمی‌تواند بپوشد، و نماز هم با آن باطل است.[[9]](#footnote-9) اگر کسی از ابریشم خالص، پیراهن مردانه درست کرد، این عملش حرام است و خرید و فروش آن هم حرام است؛ چون اعانت بر گناه است.

 ریش‌تراشی در شرع اسلام حرام است.[[10]](#footnote-10) اگر کسی ریش خود را بتراشد یا

 کسی ریش دیگری را بتراشد، کار حرامی کرده است؛ و اگر کسی دکّان خود را به ریش‌تراش اجاره بدهد، کار حرام کرده است؛ چون اعانت بر گناه کرده.

## حرمت ربا و هرگونه مشارکت و کمک در این مسئله

 و نظیر اینها از مثال‌هایی که می‌توان زد، بسیار زیاد است. ربا خوردن و ربا دادن حرام است؛[[11]](#footnote-11) یعنی انسان یا معاملۀ ربوی کند، یا قرض ربوی بدهد، معاملۀ جنس به جنس و زیاده، یا قرضی بدهد و زیاده، اینها حرام است. پنج طایفه در این معاملات ربوی لعنت شده‌اند: ربا دهنده، ربا گیرنده، واسطۀ معامله، شاهد، و کاتب؛[[12]](#footnote-12) این پنج طائفه در نزد پروردگار ملعون‌اند. و ربا به هر صورت و به هر کیفیّتی می‌خواهد باشد؛ انسان ده تومان به رفیقش قرض می‌دهد که موقع غروب، ده تومان و یک قران به انسان بر گرداند؛ صد تومان قرض می‌دهد که در آخر ماه صد و یک تومان بدهد، یا بیشتر یا کمتر؛ ربا شخصی باشد یا کلّی باشد؛ به‌صورت صّراف‌خانه‌ها باشد یا به‌صورت بانک‌های بزرگ باشد؛ همه‌اش حرام است! اینها ربا خانه است و ربا دهنده و ربا گیرنده و کاتب و شاهد و واسطه، ملعون‌اند؛ چون اینها در متن ربا واقع‌اند.

 امّا افرادی که در متن ربا واقع نیستند، بلکه کمک می‌کنند؛ مثل آن قاصدی که کاغذ را از طرف بانک می‌آورد به کاتب می‌دهد و بر می‌گردد؛ آن کسی که درِ بانک را باز می‌کند؛ آن کسی که جارو می‌کند؛ آن کسی که پاسبانی می‌کند؛ آن کسی که به هر قسم از اقسام اعانت و کمک، کمک می‌کند؛ اینها در تحت عنوان کمک بر إثم است و حرام است و باید اجتناب کرد. پولی هم که انسان از آنها می‌گیرد حرام است، و حقوقی هم که می‌گیرد حرام است.

## احکام خرید و فروش و ساختن مجسّمه و عروسک

 نظیر این مثال زیاد است. مجسّمه فروختن حرام است، عروسک فروختن

 حرام است؛ اگر کسی عروسک بفروشد ولو برای بچّه باشد، کار حرامی کرده است.[[13]](#footnote-13) امّا اگر کسی عروسک نفروخت و در خانۀ خود نگاه نداشت، ولی عروسک ساخت، این چون مقدّمۀ استفادۀ حرام از آن می‌شود لذا ساختنش هم حرام است.

 مثال نظیر اینها زیاد است؛ اینها کمک بر إثم و کمک برگناه است.

## حرمت شدید کمک و اعانۀ بر ظلم و ستم

 امّا کمک بر عدوان؛ عدوان به معنی ستم است. هر کسی که ستمی کند و انسان به او کمک کند، حکم همان ستم‌کار را دارد. مثلاً ظالمی می‌خواهد یک نفر را بکشد، به انسان می‌گوید: «آن شمشیر را به دست من بده!» و انسان شمشیر را به دست آن ظالم می‌دهد؛ او کار حرامی کرده و در خون آن شخص مظلوم شرکت کرده و مقداری از خون او که ریخته می‌شود، سهمیّۀ این انسان است!

 و یا ظالمی می‌خواهد کسی را بزند، به انسان می‌گوید: «آن عصا یا شلاّق را به من بده، من او را می‌زنم نه اینکه خودت بزن!» اگر انسان کسی را بکشد یا کسی را بزند، مظلومی را بزند و بکشد، که خود انسان مباشرت کرده است؛ نه, بلکه وقتی انسانْ آلت قتل یا ضرب را به دست ظالم می‌دهد و ظالم چنین کاری می‌کند، چون انسان در این کار معاونت کرده، کار حرام کرده است.

 در روایت است:

در روز قیامت، بعضی از افراد در صحرای محشر حاضر می‌شوند و خداوند علیّ أعلیٰ که آنها را در مقام عرض، حاضر می‌کند، ملائکه آنها را

مجرمِ قتل تلقّی می‌کنند و مجرم این ظلم می‌دانند. و برای یک شخص یک استکان خون، برای بعضی یک مِحجَمه (وقتی که آن آلت حجامت را به بدن انسان می‌گذارند و می‌مکند، آن مقداری را که در آن آلت حجامت خون جمع می‌شود، می‌گویند: محجمه)، برای بعضی بیشتر، بیشتر، بیشتر. این شخص تعجّب می‌کند و می‌گوید: «من در دنیا که قتلی نکرده‌ام و آدم خوبی بوده‌ام، پس چرا این خون سهمیّۀ من شد؟!»

خطاب می‌رسد: «فلان ظالم آدمی‌کشت؛ فلان کس کمک کرد، فلان کس شمشیر به او فروخت، فلان کس غذای او را آماده کرد تا اینکه قوّت بگیرد و نیرو بر این کار داشته باشد، تو هم درِ منزلش را جارو کردی و بالنّتیجه در اثر تعاون و اجتماع تمام این مقدّمات، قتلی واقع شد؛ ما آن قتل را قسمت کردیم، آن خون به این سهم‌ها قسمت شد، به اندازۀ نیّت و کمک تو نصیب تو شد و این مقدار از آن خون بر عهدۀ تو است!»[[14]](#footnote-14)

 و نظیر این مطلب در روایات بسیار زیاد است.[[15]](#footnote-15) و لذا یکی از محرّمات فقهیّه که بزرگان از علما و فقها در کتاب خود عنوان دارند، عنوان «اعانت بر ظالم» است. کمک بر ظالم در ظلم، بدون اشکالْ از محرّمات شرعی است و از صدر اوّل اسلام تا به‌حال ، تمام فقها که در بحث اعانت بر ظالم وارد می‌شوند، از همین آیه‌ای که ذکر شد: ﴿وَ لَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَ ٱلۡعُدۡوَٰنِ﴾[[16]](#footnote-16) استفاده می‌کنند و به دنبال این آیه، روایاتی را که در این باب وارد شده است، در بحث‌های مفصّل و طولانی خود ذکر می‌کنند.

 پس مسلمان باید خیلی متوّجه باشد، و خیال نکند که گناه فقط عبارت است از خوردن شراب یا زنا و دروغ و غیبت و جنایت و آدم‌کشی و سرقت و ربا و سایر گناهانی که در رسائل عملیّه به‌عنوان محرّم یا به‌عنوان مکاسب محرّمه ذکر می‌شود؛ اعانت و کمک به هر گناه، و اعانت و کمک به هر ستم و ظلمی، از نقطۀ نظر عنوان

 اعانت و کمک، گناه است! کما اینکه به‌عنوان کلّی می‌توان گفت: انسان در امور برّ و احسان، لازم است که اعانت کند؛ آن مواردی که ضروری است عنوان وجوب دارد، و آن مواردی که ضروری نیست و شخصاً بر عهدۀ انسان تعلّق نمی‌گیرد، عنوان استحباب دارد.

 پس آیۀ شریفه این شد:

﴿وَ تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَ ٱلۡعُدۡوَٰنِ وَ ٱتَّقُواْ ٱللَهَ إِنَّ ٱللَهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾؛[[17]](#footnote-17) «از خدا بپرهیزید؛ خدا عقابش شدید است!»

 نگویید که: «ما فلان کار را کردیم، ما که گناه نکردیم؛ ما مَرکب خود را برای بردن مردم به مراکز فحشا و منکرات اجاره دادیم، خودمان که اهل این عمل نیستیم!» می‌گوید: «کمک کردی، و به اندازه‌ای که کمک کردی، در این جرم و جنایت شریک هستی!» نگویید: «ما دکّان خود را به بانک اجاره دادیم، یا به کسی که شغلش ریش‌تراشی است، یا به کسی که صلیب می‌سازد و گردن مردم می‌اندازد، یا به کسی که انگشتر طلا می‌سازد و دست مردان می‌کند، کار ما که حرام نیست!» از نقطۀ نظر اعانت، حرام است و انسان اگر خدای نا کرده چنین کاری را بکند، در آن جرم شرکت کرده است!

 اللَهمّ صلّ علیٰ محمّد و آل محمّد

1. سوره مائده (٥) آیه ٢. [↑](#footnote-ref-1)
2. کنز العرفان، ج ٢، ص ١٣٣؛ إیضاح الفوائد، ج ٣، ص ٦٠٢. [↑](#footnote-ref-2)
3. الأمالی، صدوق، ص ٢٨٨. [↑](#footnote-ref-3)
4. الکافی، ج ٥، ص ٢٢٧؛ تهذیب الأحکام، ج ٦، ص ٣٧١. [↑](#footnote-ref-4)
5. الکافی، ج ٥، ص ٢٢٦؛ تهذیب الأحکام، ج ٦، ص ٣٧٣؛ با قدری اختلاف. [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره نساء (٤) آیه١٥٧. [↑](#footnote-ref-6)
7. رجوع شود به علل الشّرائع، ج ٢، ص ٣٤٨؛ نور ملکوت قرآن، ج ٢، ص ١٠١، تعلیقه. [↑](#footnote-ref-7)
8. علل الشّرائع، ج ٢، ص ٣٤٨: «عن مُصَدِّقِ بنِ صَدَقَةَ، عن عَمّارِ بنِ موسَی، عن أبِی‌عَبدِاللهِ علیه السّلام:...وَ قالَ: ”لا یَلبَس الرَّجُلُ الذَّهَبَ وَ لا یُصَلِّی فِیهِ؛ لِأنَّهُ مِن لِباسِ أهلِ النّار.“»

ترجمه: «از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود: ”مرد نباید چیزی از جنس طلا بپ‍‍وشد یا به دست کند، و نیز نباید در آن نماز بخواند؛ چرا که طلا لباس اهل آتش است.“» (محقّق) [↑](#footnote-ref-8)
9. من لا یحضره الفقیه، ج ١، ص ٢٥٣؛ الإستبصار، ج ١، ص ٣٨٥ و ٣٨٦. [↑](#footnote-ref-9)
10. الجعفریّات (الأشعثیّات)، ص ١٥٧:

«عن عَلِیِّ بنِ أبِی‌طالِبٍ علیه السّلام قالَ: قالَ رَسولُ‌اللهِ صلّی الله علیه و آله و سلّم: ”حَلقُ اللِّحیَةِ مِنَ المُثلَةِ، وَ مَن مَثَّلَ فَعَلَیهِ لَعنَةُ الله!“»

ترجمه: «از علیّ بن ابی‌طالب علیه السّلام روایت شده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود: ”تراشیدن ریش، نوعی از مثله کردن است، و کسی که مثله کند لعنت خدا بر او باد!“» (محقّق) [↑](#footnote-ref-10)
11. فقه الرّضا علیه السّلام، ص ٢٥٦. [↑](#footnote-ref-11)
12. جامع الأخبار، شعیری، ص ١٤٥؛ دعائم الإسلام، ج ٢، ص ٣٧؛ عوالی اللّئالی، ج ٢، ص ١٣٦؛ با قدری اختلاف. [↑](#footnote-ref-12)
13. الکافی، ج ٣، ص ٣٩٣:

«عن محَمّدِ بنِ مَروانَ، عن أبی‌عَبدِاللهِ علیه السّلام قالَ:

قالَ رَسولُ‌اللهِ صلّی الله علیه و آله و سلّم: ”إنّ جَبرَئیلَ علیه السّلام أتانی فَقالَ: إنّا مَعشَرَ المَلائِکَةِ لا نَدخُلُ بَیتًا فِیهِ کَلبٌ و لا تِمثالُ جَسَدٍ و لا إناءٌ یُبالُ فیهِ.“»

ترجمه: «از رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمود: ”جبرئیل به نزد من آمد و گفت: ما گروه ملائکه در خانه‌ای که در آن سگی، یا مجسّمۀ بدنی، یا ظرفی که در آن بول شده است باشد، وارد نمی‌شویم.“» (محقّق) [↑](#footnote-ref-13)
14. الکافی، ج ٧، ص ٢٧٣. [↑](#footnote-ref-14)
15. رجوع شود به مستدرک الوسائل، ج ١٨، ص ٢١١ ـ ٢١٤. [↑](#footnote-ref-15)
16. سوره مائده (٥) آیه ٢. [↑](#footnote-ref-16)
17. سوره مائده (٥) آیه ٢. [↑](#footnote-ref-17)